

همه چیز برای فروش

«فسیل» با عبور از مرز ۱۰۰ میلیارد تومان فروش به پدیده‌ای قابل مطالعه در سینمای عامه‌پسند ایران بدل شده است

سعید مروتی



از همه آنچه سینمای عامه‌پسند ایران نامیده می‌شود و در طول سالیان، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته، همین چند فیلم کمدی باقی مانده که هنوز می‌توانند گیشه را پر رونق کنند. کمدی‌هایی که معمولاً هم از قواعد مشخصی تبعیت می‌کنند و اغلب تشکیل شده‌اند از خط داستانی‌ای با چند موقعیت کمدی معمولاً محدود و همراه با شوخی‌هایی که به خطوط قرمز نزدیک می‌شوند تا خنده‌ای بستانند. تقریباً کل داستان سینمای تجاری ایران (که در چند کمدی خلاصه شده) همین است. فیلم‌هایی که سازندگان‌شان روی سابقه ذهنی سینما و حساب باز کرده‌اند و همه آنچه قبلاً امتحانش را پس داده به کار می‌گیرند تا توفیق در گیشه تکرار شود. خیلی وقت‌ها هم حضور بازیگر محبوب کار را راحت‌تر می‌کند و مثلاً با آمدن رضا عطاران، هم شوخی‌های نه چندان بازمه، در اجرا شیرین می‌شود و هم اینکه به لطف حضور ستاره پولساز، تضمینی برای فتح گیشه به دست می‌آید. اینکه چراغ سالن‌ها هنوز روشن است و ورشکستگی کامل سینما همچنان به توفیق افتاده را باید محصول همین کمدی‌های سردستی دانست که معمولاً کار را با چند ستاره بفرش و چند شوخی و موقعیت کمدی و کنایات و اشارات بالای ۱۸ سال درمی‌آورند؛ فیلم‌هایی که در بازار اکران مصرف می‌شوند و تماشاگر خسته و گریزان این روزگار را متقاعد به خرید بلیت و حضور در سالن سینما می‌کنند. این تقریباً کل ماجرای بیشتر کمدی‌های پر فروش این سال‌هاست؛ کمدی‌هایی که در دوران پسا کرونا کمتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ چون خود سینما کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ کرونا آمد و رفت ولی هنوز سینمای ایران به شرایط پیش از اسفند ۱۳۹۸ بازنگشته است. در این بازار کساد، همین چند کمدی که نسبتاً موفق شده و فروخته‌اند و رضایت نسبی و حداقلی تماشاگر را به دست آورده‌اند همه داشته‌های سینمای دچار قهر مخاطب را تشکیل داده‌اند.

«فسیل» در مقام مقایسه، گامی فراتر از کمدی‌های این سال‌ها مثل «بخارست»، «انفرادی» و «سگ‌بند» است. این را می‌شود از میزان استقبال تماشاگران هم متوجه شد و اینکه عبور از مرز ۱۰۰ میلیارد تومان فروش، فقط محصول گران شدن بلیت نیست و با فیلمی مواجهیم که با حدود ۲ میلیون و نیم تماشاگر اگر به تیر غیب دچار نشود (و مثلاً نسخه قاچاقش بیرون نیاید)، می‌تواند از مرز ۳ میلیون مخاطب هم عبور کند. فیلم فعلاً و تا اطلاع ثانوی در حال جذب تماشاگر است؛ تماشاگری که فسیل را منطبق با حال و هوایش می‌یابد و تا انتها جذبش می‌شود؛ تماشاگری که با رضایت از سالن خارج می‌شود.

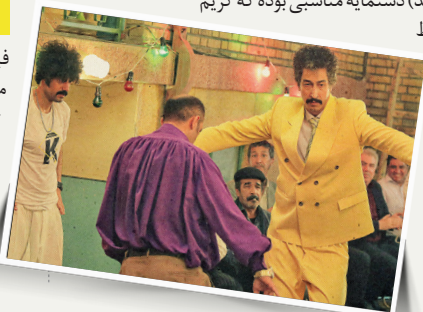
تصویر رنگارنگ و نوستالژیک از دهه ۵۰ و بازآفرینی نسبتاً موفق گذشته، با روایت ماجرای خواننده جوانی که با رفاقیاش در مسیر شهرت و محبوبیت قرار دارد، در تقابل با دهه ۶۰ قرار می‌گیرد. فاصله‌ای که فیلم آن را با یک جامپ کات طی می‌کند. جوان خواننده دیروز حالا در روزگاری دیگر و جامعه‌ای متفاوت از آنچه در گذشته تجربه‌اش کرده باید خودش را با شرایط جدید منطبق کند. از دل این تلاش برای انطباق، موقعیت‌های کمدی ساخته می‌شود و قصه هم پیش می‌رود. خب البته واضح است که با «جار نشین‌ها» و حتی «مارمولک» سر و کار نداریم. اما این هم واضح است که با فیلمی مواجهیم که روایت روان و شوخی‌های بامزه‌ای دارد، طبعاً در قامت نه چندان رعنا سینمای بدنه ایران. «فسیل» هم البته ادعایی ندارد و از ابتدا تا انتها بر سر قرار می‌ماند. اینکه داستان تعریف کند و شوخی بسازد و شخصیت اصلی‌اش را در موقعیت‌های بامزه قرار دهد. اینکه اسی، خواننده جوانی نام دهه ۵۰ به مرد گیج و گول دهه ۶۰ مبدل می‌شود (با همراهی شخصیت‌ها یا به تعبیر بهتر تیپ‌های نمایشی کنار دستش که بر خلاف او گذر زمانه و عبور از یک حکومت و رسیدن به نظم و نظامی تازه را به شکلی طبیعی درک کرده و با آن همراه شده‌اند) دستمایه مناسبی بوده که کریم

امینی، کارگردان جوان «فسیل» آن را هدر نداده. این را می‌شود در ارتباط پیوسته‌ای که فیلم از همان ابتدا با تماشاگر برقرار می‌کند، دید. در نشاط و همراهی‌اش با فصل‌های موزیکال و خنده‌هایی که میزانش بیشتر از همه کمدی‌های این سال‌هاست. ارجاع به گذشته و حال و هوای متمایز و به کل متفاوت ۲ مقطع تاریخی هم با قراردادی که فیلم با مخاطبش گذاشته منطبق است. البته خیلی راحت می‌شود گفت «فسیل» هم یک فیلم‌سازی دیگر است که در زمان و موقعیت مناسب روی پرده آمده و بلیت‌ش برنده شده. «جار نشین‌ها» و بیلی وایلدر هم همیشه برای مقایسه کردن و سر کوفت زدن حی و حاضرند.

بهرام افشاری ستاره غافلگیرکننده «فسیل» است؛ بازیگری که قبلاً در تلویزیون و سینما به محبوبیت رسیده ولی اغلب در نقش مکمل. در حالی که اینجا نقش اولی است که همه چیز با محوریت او رقم می‌خورد. نقش اولی که مهم‌ترین عامل تجاری فیلم است و بهرام افشاری تقریباً همه ویژگی‌های نقش‌های کمدی قبلی‌اش را با رنگ آمیزی تازه به میدان آورده است. نخستین ستاره پولساز و نوظهور سینمای پسا کرونا که بعید است امسال کسی به گردش برسد.

«فسیل» همه چیز برای فروش دارد و جنس‌اش اصطلاحاً جور است.

فیلمی که قاعدتاً از آن تر از کمدی‌های موفق این سال‌ها در آمده و یک کمدی تجاری سرراست که تماشاگرش را می‌خنداند. فیلم پاسخگوی نیازی است که دیگر کمدی‌های این سال‌ها در پاسخ دادن به آن ناکام بوده‌اند. نیازی که بیش از آنکه جنبه زیبایی‌شناسانه داشته باشد ابعاد جامعه‌شناسانه دارد.



پایان یک دوران

«عروس خیابان فرشته» از همان پوسترش بسیار به کمدی‌هایی از جنس «تکخال» (۱۳۹۹)، «زن‌ها فرشته‌اند» (۱۳۹۸)، «خال‌تور» (۱۳۹۶) و امثالهم که محمدحسین فرحبخش تولید می‌کند شبیه است. ترکیب بازیگرانش هم کم‌وبیش در فیلم‌های فرحبخش دیده شده و چنان‌که از ظواهر امر پیداست با فیلمی مواجهیم که مشابهش را بارها در سینما دیده‌ایم. برخلاف کمدی‌های فرحبخش که خط داستانی فیلم تا حدی که توجه تماشاگر را از دست ندهد تقلیل می‌یابد و شوخی‌ها و موقعیت‌ها عامل اصلی جذابیت هستند، در «عروس خیابان فرشته» داستان نسبتاً فربه‌تر از آن کمدی‌هاست و در ضمن سوپه شعاری و پیام اخلاقی فیلم هم مؤکدتر است. این نوع کمدی در ظاهر سعی دارد موقعیت‌های کمیکش را از دل داستان استخراج کند، اما واقعیت این است که عمدتاً در این زمینه شکست می‌خورد و باز دست به دامن همان شوخی‌ها و موقعیت‌های خارج از روند داستان برای خنده‌آفرینی می‌شود. کلیپ آهنگ و رقص هنری، شوخی‌های تکراری نزدیک خطوط ممنوعه، استفاده از لپچه، رابطه رمانتیک هجو شده و عناصری از این دست که در کمدی‌های فرحبخش فراوان دیده‌ایم، در «عروس خیابان فرشته» نیز وجود دارد. این کمدی را می‌توان به کمدی‌های اولیه مسعود اطیابی همچون «خروس جنگی» (۱۳۸۶)، «شرط اول» (۱۳۸۸) و «اخلاق تو خوب کن» (۱۳۸۹) شبیه دانست که معمولاً با صفت‌هایی همچون «خانوادگی»، «شریف» و «سالم» توصیف و تحسین می‌شدند. اما واقعیت این است که با فروش هوش‌پران «فسیل» دیگر نباید توقع داشت که زیاد کمدی‌هایی از جنس «عروس خیابان فرشته» که از اول هم کهنه و از مد افتاده بودند، ساخته شود. دیگر دوران ایما و اشاره و متلک و ناخنک زدن، گذشته و تماشاگری که به دیدن شوخی‌های واضح‌تر در کمدی‌های دو سه سال اخیر عادت کرده، «عروس خیابان فرشته» و کمدی‌هایی شبیه به آن برایش جذابیت ندارد. با اینکه این فیلم تا اینجا چهارمین فیلم پر فروش سال است و بیش از ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروخته، اما فاصله زیاد آن با «فسیل» که مدت‌هاست از مرز ۱۰۰ میلیارد تومان رد شده نشان می‌دهد که سینمای کمدی ایران در سال‌های آینده به چه سمتی حرکت خواهد کرد. سینمای کمدی ایران بیشتر از هر ژانر دیگری عادت به نسخه‌برداری از روی نمونه‌های موفق دارد و فعلاً موفقیت‌هایی از جنس «فسیل» است، نه «عروس خیابان فرشته».

